



«هلال مقاومت» از تهران تا فلسطین؛ نقش نیروهای مقاومت در تشکیل این هلال چیست؟

محور غربی و عربی از آغاز جنگ سوریه در پی از بین بردن محور مقاومت بودند، اما پس از دور شدن خطر سرنگونی دولت قانونی سوریه، محور مقاومت در حال اجرای طرحهایی است که نقشه های آمریکا را نقش بر آب کرده است.

به گزارش آران نیوز: مقاومت در برابر اشغالگری اراضی کشورهای عربی توسط رژیم صهیونیستی و نفوذ آمریکا در منطقه خاورمیانه وارد فاز تازه ای شده است.

این مسئله بدین معنا نیست که باید دستور کار ملت های منطقه کاملا نادیده گرفته شود، ولی بازی اولویت ها سبب میشود که مردم منطقه -هرچند دیر- متوجه مسائل پیرامون خود شوند و اینکه حمایت ناگهانی و گسترده آمریکا و غرب و همپیمانانشان از آنها، به اندازه ای که برای تغییر ماهیت و رفتار حکومتهاست، قطعا برای توسعه زندگی مردم نیست. همچنین این کشورها قصد ندارند که حقوق شهروندان را افزایش دهند، بلکه در پی سرکوب هر گونه شورش علیه نظام جهانی هستند؛ نظامی که ملت های منطقه را چپاول میکند و ثروتهای آنان را به یغما میبرد.

«ابراهیم الامین» سردبیر روزنامه الاخبار لبنان با مقدمه فوق به بررسی ابعاد تازه بحران سوریه پرداخت و نوشت، بدون اینکه بخواهیم درباره ماهیت و پیشینه بحران کنونی در سوریه و تا حدودی عراق سخن بگوییم، باید به این نکته اشاره کنیم که مسئله مشترک میان گروه های درگیر که بیشترین حضور را در میدان دارند، کشمکش بر سر نقش راهبردی در این منطقه و تعیین قواعد جدید برای نفوذ جهانی در منطقه خاورمیانه است، نه فقط در ترسیم آینده خاورمیانه.

کسی نمیتواند واقعیت تغییر بنیادین درگیری با آمریکاییها و اسرائیل پس از جنگ 2006 را نادیده بگیرد. در آن زمان فقط طرح آمریکا و اسرائیل به بن بست نرسید، بلکه کارآیی گزینه مقاومت نیز ثابت شد. این مسئله نیز سبب شد که نیروهای محور مقاومت و حکومت های آنان وارد مرحله تازه ای از برنامه ریزی و اقدام شوند. از این روی انتظار میرفت که دشمن وارد مرحله دیگری شود. در نتیجه با قاطعیت میتوان گفت که جنگ سوریه، همیشه نقش کلیدی این کشور را در «هلال مقاومت» هدف قرار میدهد؛ زیرا این کشور بستر واقعی مقاومت لبنان و فلسطین بوده و وصل کننده محور مقاومتی است که از تهران تا حزب الله لبنان امتداد دارد.

از این روی، طی 6 سال گذشته شاهد مسائل زیادی بودیم و طبیعی بود که هر کدام از طرف های محور مقاومت در این جنگ حضور داشته باشد. همچنین طبیعی بود که با قدرت فوق العاده ای نیروهای مقاومت فلسطین از این جنگ به دور رانده شدند. اما برآیند کار این است که همه در حال حاضر بر دشواری سرنگوی دولت سوریه اذعان دارند. همه این مسائل دشمن را واداشت که وارد مرحله ای شود که کارآیی دولت سوریه را در سطح مقاومت در منطقه از بین ببرد. در برهه اخیر نیز تمرکز بر این بود که ارتش سوریه از مرزهای عراق دور بماند؛ زیرا آمریکاییها، اسرائیل و کشورهای مرتجع منطقه نیز بر این باور بودند که تماس نیروهای عراقی و سوری در مناطق مرزی میتواند معادله هلال مقاومت را تثبیت کند؛ هلالی که از تهران آغاز میشود و به لبنان و فلسطین نیز میرسد.

از این روی، راهبرد جدید آمریکا در ماه های اخیر این بود تا جایی که امکان دارد بتواند بر مرزهای سوریه و عراق سیطره داشته باشد. از این روی شمال سوریه به نیروهای کرد واگذار شد و به گروه های تروریستی وابسته به آمریکا و اتاق عملیات الموک در جنوب شرق نیز کمک شد تا بتوانند منطقه ای را اشغال کنند که از جنوب تا گذرگاه التنف امتداد دارد. این مسئله با حمایت روشن و مستقیم آمریکا از گروه های تروریستی برای مقابله با پیشروی ارتش سوریه و حزب الله در منطقه جنوب همراه بود. واشنگتن همچنین کاری کرده بود که نیروهای «الحشد الشعبی» (بسیج مردمی) نتوانند در نبردهای موصل مشارکت داشته باشند و خطوط قرمزی برای پیشروی آنان به سمت تلعفر و غرب آن ترسیم کرده بود.

اما آنچه عملا امروز رخ داده این است که نیروهای الحشد به مرزهای این کشور در منطقه «ام جریص» (غرب القیروان و جنوب سلسله جبال سنجار) رسیده اند که عملا به منزله زیر پا گذاشتن خط قرمزهای آمریکاست و سبب خواهد شد که معادله تازه ای به وجود آید مبنی بر کنترل بخش های از مرزهای سوریه و عراق آن هم علیرغم میل آمریکا.

در صورتی که نیروهای مقاومت (الحشد الشعبی، ارتش سوریه و حزب الله) بتوانند بر بخش های زیادی از مرزهای سوریه و عراق مسلط شوند تا اینکه هدف آمریکا برای بستن مرزها نقش بر آب شود، سبب خواهد شد که اشغال بقیه مرزها توسط واشنگتن بی فایده باشد.

عملا میتوان گفت که علیرغم مسافت 15 کیلومتری که نیروهای الحشد الشعبی از مرزهای عراق و سوریه آزاد کردند، نخستین گام برای باز کردن گذرگاه های راهبردی زمینی میان طرف های محور مقاومت است.

این مسئله نیز به معنای شکست همه راهبردهای آمریکا برای ممانعت از تماس نیروهای عراق و سوریه بوده و در نتیجه تسلط بر بخش های مرزی دو کشور به معنای از بین بردن همه مسائلی است که در جنگ سوریه بر آن حساب باز شده بود و بر محور از بین بردن نقش کاربردی دولت سوریه در محور مقاومت بود.

آنچه در مرحله آتی پیش بینی میشود، میتواند غافلگیری های زیادی در پی داشته باشد. با وجود استقرار نظامی مستقیم آمریکا،

روبارویی در جنوب سوریه به پایان نخواهد رسید؛ هر چند که ارتش سوریه و حزب الله به 80 کیلومتری گذگاه التنف رسیده اند. گذشته از این که یک هفته زمان کافی بود تا داعش از مساحت 9 هزار کیلومتری در مناطق صحرای حمص بیرون رانده شود. از طرف دیگر ارتش سوریه و حزب الله نیز برای نبرد بازپسگیری شهر «السخنه» (شمال شرق تدمر) آماده میشوند و این نبرد نیز سبب خواهد شد که یا محاصره دیرالزور شکسته شود یا اینکه گذرگاه «القائم» از سمت سوریه آزاد شود. در عراق نیز بحث بر سر امکان آغاز نبرد سرنوشت سازی در غرب استان الانبار است که سبب خواهد شد نیروهای عراقی به ویژه الحشد از سمت القائم به مرزهای مشترک برسند. این مسئله نیز بر عکس طرح آمریکاست؛ طرحی که مبتنی بر ایجاد ائتلاف میان عشایر سوریه و عراق است که در دو طرف مرزها مستقر هستند.

در واقع هدف نیروهای مقاومت برای جلوگیری از سرنگونی دولت سوریه محقق شده و هدف محاصره تروریستها هر روز در حال تحقق است. هدف ایجاد روزنه های بزرگ در طول مرزهای عراق و سوریه نیز وارد مرحله اجرایی شده است و نمیتوان پیش بینی کرد که نیروهای مقاومت از توسعه و تثبیت و حمایت این مسئله عقب بنشینند. در نتیجه این احتمال وجود دارد که اگر آمریکا مستقیماً در کنار تروریستها وارد جنگ شود، درگیری مستقیمی میان سوریه و نیروهای همپیمانانش با نیروهای آمریکایی صورت خواهد گرفت.

منبع: فارس